

چون قرارداد نوشته نداریم، جرأت شکایت هم نداریم؛ اگر به اداره کار برویم به بابت عیدی از کارفرما شاکی شویم به چشم برهم زدنی همین کار نصفه نیمه را هم از دست می‌دهیم. به گزارش ایلنا، هر سال زمستان که فرا می‌رسد، بحث عیدی و پرداخت مزایای پایان سال کارگران داغ می‌شود؛ کارگران بیمه شده اجتماعی تنها مزیتی که بر کارمندان دولت دارند، همین مبلغ عیدی ست که تا حدودی بیشتر از مزایای پایان سال زیرمجموعه‌های دولت است. کارمندان در ماه‌های عادی سال از مزایای مزدی و حقوقی نسبتاً بهتری برخوردارند اما عیدی آن‌ها را دولت به صورت یک رقم ثابت در لوابیح بودجه سالانه مشخص می‌کند. برای کارگران مشمول قانون کار اما، قانون تعاریف مشخصی در مورد عیدی و پاداش پایان سال دارد.

الزامات قانونی

«قانون مربوط به تعیین عیدی و پاداش سالانه کارگران شاغل در کارگاه‌های مشمول» مصوب سال ۱۳۷۰ باید‌ها و الزامات پرداخت عیدی به کارگران شاغل در بخش‌های مختلف اقتصاد را مشخص کرده است؛ براساس ماده واحده این قانون، «تمامی کارفرمایان کارگاه‌های مشمول قانون کار مکلفند به هر یک از کارگران خود به نسبت یک سال کار معادل شصت روز آخرین مزد، به عنوان عیدی و پاداش بپردازند. مبلغ پرداختی از این بابت به هر یک از کارکنان نیابتی از معادل نود روز حداقل مزد روزانه قانونی تجاوز کند، بنابراین کف قانونی عیدی، ۶۰ روز حداقل دستمزد است و هیچ کارگری نباید کمتر از این رقم عیدی بگیرد؛ منتها سقف عیدی که در این قانون، ۹۰ روز حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار است، با توجه به «عرف کارگاه» می‌تواند بالاتر رود؛ قانون مصوب ۱۳۷۰ مجلس، تأثیرگذاری عرف کارگاهی در میزان عیدی پرداختی به کارگران شاغل را به رسمیت شناخته است. در تبصره ۲ ماده واحده عیدی آمده است: «در کارگاه‌هایی که مطابق رویه جاری کارگاه بیش از مبالغ فوق پرداخت می‌نمایند، عرف کارگاه معتبر خواهد بود.» آرمین خوشوقتی، کارشناس ارشد حقوق و روابط کار، در ارتباط با شناسایی عرف در پرداخت عیدی و مزایای پایان سال گفت: در همه پرداخت‌ها به کارگران، چه عیدی باشد چه سنوات و پاداش، دو الزام وجود دارد، اول حداقل‌های قانونی که کارفرما نمی‌تواند از آن عدول کند و دوم مولفه‌ای به نام عرف کارگاهی؛ در مورد عیدی پایان سال نیز در حالیکه ماده واحده قانونی، کف و سقف عیدی را در تمام کارگاه‌های مشمول سراسر کشور به رسمیت شناخته، عرف کارگاهی نیز یک شاخص به رسمیت شناخته شده و الزامی است به این معنا که اگر کارفرمایی در سنوات گذشته در پایان سال به کارگران ۵ یا ۴ برابر حداقل دستمزد عیدی و پاداش پرداخت کرده، نمی‌تواند ناگهانی و بدون توافق جدید با کارگران این عرف را زیر پا بگذارد و کمتر پرداخت کند. کارفرما هیچ زمان نمی‌تواند عرف کارگاه در مورد پرداخت‌ها را بدون جلب توافق کارگران تغییر دهد. به گفته وی، عرف کارگاه یک توافق دوجانبه‌فی‌مابین کارگر و کارفرماست و یک طرف نمی‌تواند بدون رضایت طرف دیگر از آن عدول کند؛ لذا اگر کارفرمایی یکباره کمتر از عرف کارگاه به کارگران خود عیدی بپردازد، کارگران حق شکایت دارند.

عیدی برای همه

اما برخلاف آنچه برخی می‌پندارند، عیدی فقط متعلق به کارگران سابقه‌دار نیست؛ هر کارگری با هر میزان سابقه کار، مشمول پرداخت عیدی پایان سال است منتها مبلغ پرداختی به میزان سابقه آن کارگر در آن کارگاه خاص بستگی دارد. در تبصره یک ماده واحده عیدی آمده است: «مبلغ پرداختی به کارکنانی که کمتر از یک سال در کارگاه کار کرده‌اند باید به م‌أخذ ۶۰ روز مزد و به نسبت ایام کارکرد در سال، محاسبه شود. مبلغ پرداختی این بابت برای هر ماه نباید از یک دوازدهم سقف تعیین شده موضوع ماده واحده این قانون تجاوز کند.» بنابراین برای هر ماه اشتغال کارگر در کارگاه، میزان عیدی یک دوازدهم عیدی کامل کارگران همان کارگاه است؛ اگر کارگری دو یا سه ماه در کارگاه اشتغال داشته باشد، عیدی پایان سال او دو- دوازدهم یا سه- دوازدهم عیدی کارگرانی است که بیش از یکسال در همان کارگاه سابقه اشتغال دارند. اما کف و سقف عیدی پایان سال ۱۴۰۲ بر مبنای قانون چقدر است؛ براساس آنچه قانون می‌گوید کارگران امسال در ماه‌های پایانی سال، حداقل ۱۰ میلیون و ۶۱۴ هزار تومان عیدی دریافت می‌کنند؛ به همین ترتیب، حداکثر مبلغ عیدی نیز ۱۵ میلیون و ۹۲۲ هزار تومان خواهد بود. لذا هر پرداختی به عنوان عیدی کمتر از ۱۰ میلیون و ۶۱۴ هزار تومان به کارگرانی که یکسال یا بیشتر در یک کارگاه ثابت سابقه اشتغال دارند، اتفاقی خلاف قانون است و کارگران حق شکایت دارند؛ می‌توانند از کارفرما به ادارات کار شکایت کنند؛ این حق روی کاغذ برای کارگران مشمول قانون کار به رسمیت شناخته شده اما در عمل به دلیل قراردادهای موقت یکماهه، سه ماهه و یکساله یا حتی قراردادهای شفاهی در کارگاه‌های کوچک، کارگران اجازه برخورداری از این حق قانونی را ندارند. بسیاری از کارگران شاغل در کارگاه‌های کوچک، خدماتی و اصفاف، از حق بر عیدی قانونی محرومند؛ محمد، الف، کارگر یک انبار پوشاک در تهران که چندین سال در یک کارگاه کوچک در مرکز پایتخت سابقه کار دارد، در رابطه با عیدی پایان سال می‌گوید: در هیچ سالی ما به اندازه مشخص شده در قانون عیدی نگرفته‌ایم؛ در بهترین حالت، معمولاً یک پایه حقوق یعنی به اندازه دستمزد ۳۰ روز به ما عیدی می‌پردازند. این در حالیست که کف عیدی قانونی ۶۰ روز حداقل دستمزد است.

«آرمان ملی» در گفت‌وگو با مهدی بازوکی راه‌های برون‌رفت

از چالش‌های صندوق توسعه ملی را بررسی می‌کند؛

قلکی به نام «صندوق توسعه ملی»

«صندوقی برای ثبات نه

بنگاهداری

«راهکار برون‌رفت از چالش‌های

صندوق توسعه ملی

«صندوق توسعه ملی نه؛ وزارتخانه

آرمان ملی – صدیقه بهزادپور: تأسیس حساب ذخیره ارزی در دولت خاتمی اولین گام در مسیر شکل‌گیری صندوقی است که امروز نام «صندوق توسعه ملی» را گرفته است. صندوقی که کارکرد اصلی آن حفظ منابع ملی از محل ذخیره درآمدهای ناشی از فروش نفت و... است، چیزی که در سال‌های اخیر در مسیری کاملاً برعکس حرکت می‌کند و به گفته مسئولان در آغاز سال جاری «این صندوق تقریباً خالی است.» پرداخت مکرر دولت‌ها تحت عناوین مختلف و با مجوزهای مختلف از صندوق توسعه ملی برای جبران کسری‌های درآمد خود، در مراحل ابتدایی به امید بازپرداخت آن به «زودی» شکل گرفت، اما این روند به تدریج به عادی برای جبران کسری‌هایی در مواردی مانند صندوق بازنشتگان، شرکت‌های خصولتی و... تبدیل شد که البته بدون هیچ نشانی از بازپرداخت تداوم یافت. عدم تسویه بدهی ۲۵ هزار میلیارد تومانی دولت در سال جاری به صندوق در حالی شنیده شد که بنابر پیش‌بینی‌های صورت گرفته این رقم تا پایان سال به حدود ۱۹۵ هزارهمت افزایش می‌یابد. هر چند کارشناسان معتقدند در صورتی که صندوق توسعه ملی نیز این دلار نیز تسهیلات پرداخت کرده است. بنابراین تنها ۱۰ میلیارد دلار از منابع در این صندوق باقی مانده است.»

این در حالی است که صندوق توسعه ملی نیز با کارکردها و وضعیت نخستین خود در روزهای اولیه فاصله گرفته و صندوق توسعه ملی آنقدر فریه شده که دارد به یک وزارتخانه تبدیل شده است که به زعم کارشناسان خطرناک است. چون جزو هدف اولیه نبوده است. این صندوق در حال حاضر امکانات، معاونت‌های مختلف و... بسیاری دارند که هزینه نگهداشت آن هم زیاد است. به منظور بررسی وضعیت کنونی صندوق و راهکار برون رفت از مشکلاتی که گریبانگیر آن شده است با مهدی بازوکی، کارشناس ارشد اقتصادی به گفت‌وگو پرداختیم که در ذیل آن را می‌خوانید:

کارکرد اصلی صندوق توسعه ملی چیست و آیا تاکنون توانسته است وظایف خود را در این راستا با توجه به آنچه برای آن تعریف شده، به خوبی انجام دهد؟

صندوق توسعه ملی با هدف ایجاد حساب ذخیره ارزی، ثبات در میزان استفاده از عواید ارزی حاصل از فروش نفت خام و در حقیقت پشتوانه‌ای برای آیندگان ایجاد شده است، در حقیقت این صندوق برای زمانی که کشور مازاد نفتی دارد، تأسیس شد تا بتوان از درآمدهای نفتی در مواقعی که قیمت نفت کاهش پیدا می‌کند، استفاده بهینه شود و اقتصاد در وضعیت تعادل قرار گیرد. درواقع این صندوق راه‌اندازی شد تا مازادی اگر وجود دارد وارد اقتصاد نشود، هزینه‌های دولت بالاترود و باعث افزایش تورم و به وجود آمدن بیماری هلندی نشود، اما در حقیقت در حال حاضر تبدیل به قلکی برای دولت‌ها برای جبران کسری بودجه تبدیل شده است و بارها اخباری در خصوص کاهش درآمدهای این صندوق به دلیل استقرار دائمی دولت‌ها برای جبران

صندوق راه‌اندازی شد تا مازادی

اگر وجود دارد وارد اقتصاد نشود، هزینه‌های دولت بالا نرود و باعث افزایش تورم و به وجود آمدن بیماری هلندی نشود، اما در حقیقت در حال حاضر تبدیل به قلکی برای دولت‌ها برای جبران کسری بودجه تبدیل شده است و بارها اخباری در خصوص کاهش درآمدهای این صندوق به دلیل استقرار دائمی دولت‌ها برای جبران کاهش درآمدهایش شنیده‌ایم، هر چند این قرض گرفتن‌ها به امید بازپرداخت صورت می‌گیرد بلکه هر سال رقم استقرار دولتی افزایش می‌یابد و به این ترتیب فرصتی برای ذخیره باقی نمی‌ماند. این در حالی است که بیش‌ترین منبع درآمد صندوق ناشی از درآمدهای حاصل از فروش نفت است که به دلیل تحریم و... طی سال‌های گذشته این منابع درآمدی کاهش یافته است و بنابر اخبار منتشره سهم صندوق توسعه ملی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ نیز کمتر شده است. این در حالی است که به نظر می‌رسد با توجه به شرایطی که در لایحه بودجه و برنامه هفتم توسعه برنامه‌ریزی شده است، رقم استقرار از صندوق به دلیل کسری بودجه بیشتر، افزایش خواهد یافت.

کاهش درآمدهایش شنیده‌ایم، هر چند این قرض گرفتن‌ها به امید بازپرداخت صورت می‌گیرد اما نه تنها بازپرداختی صورت نمی‌گیرد بلکه هر سال رقم استقرار دولتی افزایش می‌یابد و به این ترتیب فرصتی برای ذخیره باقی نمی‌ماند. این در حالی است که بیش‌ترین منبع درآمد صندوق ناشی از درآمدهای حاصل از فروش نفت است که به دلیل تحریم و... طی سال‌های گذشته این منابع درآمدی کاهش یافته است و بنابر اخبار منتشره سهم صندوق توسعه ملی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ نیز کمتر شده است. این در حالی است که به نظر می‌رسد با توجه به شرایطی که در لایحه بودجه و برنامه هفتم توسعه برنامه‌ریزی شده است، رقم استقرار از صندوق به دلیل کسری بودجه بیشتر، افزایش خواهد یافت.

دلیل اصلی خالی شدن صندوق توسعه ملی از ذخائر مورد نیاز طی سال‌های اخیر چیست؟ چرا هر بار دولت‌ها به محض مواجهه با کسری بودجه به سمت صندوق توسعه ملی روی می‌آورند؟ آیا ابزار بازدارنده‌ای در این زمینه وجود ندارد؟

به نظر می‌رسد فراهم آوردن سازوکاری شفاف برای گزارش عملکرد صندوق برای اینکه مشخص شود چه سازمان‌ها و... از این صندوق برداشت کرده‌اند، می‌تواند به کاهشی شدن روند برداشت از صندوق کمک کند. در دولت خاتمی یک حساب ذخیره ارزی وجود داشت که دبیرخانه آن در سازمان برنامه و بودجه بود و فقط یک نفر به نام بایزید مردوخ به تمام مسائل آن نظارت می‌کرد و هزینه‌ای هم به دولت تحویل نمی‌کرد، اما الان سازمانی عریض و طویل وجود دارد که بر حوزه‌های مختلف به شکل‌های گوناگون تصدی‌گری می‌کند و آنطور که شنیده‌ام حتی در مسیر سرمایه‌گذاری و بنگاهداری قرار گرفته است و گویا قصد اداره نیروگاه‌ها و... را دارد، در حالی که این رویکرد برای صندوق توسعه ملی سم محسوب می‌شود، در حقیقت این صندوق باید ثبات را به جامعه و کشور بازگرداند نه این بنگاهداری کند و ناکارآمدی‌های دولت‌ها را پوشش دهد، به عبارتی این صندوق برای حفظ منابع و منافع ملی کشور پیش‌بینی شده است، اما آنگونه که هم اکنون پیش می‌رود در تضاد با آن چیزی است که از ابتدا برای آن تعریف شده است. در حقیقت این تغییر در کارکرد صندوق توسعه ملی از زمانی آغاز شد که آن را با حدود ۱۰ میلیارد دلار به دولت احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴ تحویل داده شد و به تدریج از وظایف اصلی خود فاصله گرفت.

دلار در معاملات روز دوشنبه نیز کاهشی ماند تا امیدها برای بازپس گیری کانال حرکتی میان مدتی به حداقل خود برسد.

به گزارش مهر با فروکش کردن دوباره نرخ دلار در معاملات روز دوشنبه، همه نگاه‌ها به سمت نقاط حمایتی در میانه و پایین محدوده ۴۹ هزار تومان دوخته شده است. هرچند که کارشناسان می‌گویند با توجه به اینکه کف بازار خلوت است، نمی‌توان به محدوده‌های حمایتی چندان خوش بین بود. در معاملات روز دوشنبه دلار آزاد با یک پله کاهشی به محدوده ۴۹ هزار و ۷۰۰ تومان رسید. در مرکز مبادله نیز نرخ دلار نقدی حدود ۵۵ ریال کاهش یافت که برخی تحلیل‌ها در



دلیل اصلی قرارگیری صندوق توسعه ملی در وضعیت کنونی که به اعتراف خود مسئولان از وضعیت مناسبی برخوردار نیست، چیست؟

بیشترین برداشت از سوی دولت‌ها به منظور جبران کسری‌های بودجه صورت می‌گیرد و در بسیاری موارد اگر چنین اقدامی صورت نگیرد، مجبور به چاپ پول می‌شوند و این استقراض‌ها و یا واگذاری وام‌ها به شرکت‌های وابسته نهادهای عمومی، صندوق بازنشتگی لشکری و... در قالب استقراضی صورت گرفته است که بازپرداختی نداشته است، در عین حال با توجه به کاهش ارزش پولی ملی و نوسانات نرخ ارز، وام‌گیرندگان نیز توانایی بازپرداخت وام‌هایی با نرخ مثلاً دلار ۳ هزار تومان زمان خود و ۵۰ هزار تومان فعلی را ندارد و از این‌رو درخواست بده بستان‌هایی برای تسویه بدهی‌های خود را دارند که در نهایت به مدیریت صندوق توسعه بر برخی از بانک‌ها یا نیروگاه‌ها و... می‌شود که برخی از آن به عنوان بنگاهداری یاد می‌کنند، در حالی که این امر از وظایف صندوق نیست، یعنی هیچ مطلوبیتی برای اداره کردن نیروگاه از سوی صندوق پیش‌بینی نمی‌شود چرا که این امر به معنای گسترش اقتصاد دولتی و بنگاهداری است. از سوی دیگر گویا دولت در تدوین لایحه بودجه خود با وجود پیش‌بینی نسبتاً قطعی در برخی از حوزه‌ها با کسری زیاد و کم، بر روی منابع موجود در صندوق توسعه ملی حساب می‌کند و در حقیقت بودجه را با حساب منابع مالی صندوق تدوین کرده و می‌بینند، در حالی که این امر اشتباه است و اگر دولت پیش‌بینی‌کسری بودجه در حوزه‌ای را می‌کند، باید همان موقع جایگزینی غیر از صندوق توسعه ملی را برای آن در نظر بگیرد.

با توجه به اینکه صندوق توسعه ملی از کارکرد اصلی خود خارج شده است، چه توصیه‌ای برای بازگشت آن به مسیر اصلی یا بهبود عملکرد آن توصیه می‌شود؟

حیات صندوق توسعه ملی به عنوان نهادهی جداگانه و عریض و طویل با وجود نیرو و هزینه‌های بسیاری اقدامی اشتباه است، چرا که نگهداری این سازمان عریض و طویل هزینه‌ای بیشتر از منافع آن دارد، در حقیقت این صندوق باید تحت نظر سازمان برنامه و بودجه اداره شود و ضمن تأکید بر شفافیت عملکرد آن، ابزارهای مناسبی برای بازپرداخت وام‌های واگذار شده ایجاد گردد، در حقیقت ایران تنها کشوری نیست که دارای سازمانی مشابه صندوق توسعه ملی است، کشورهایی مانند نروژ نیز از این سازوکار بهره می‌جویند ولی هیچگاه از منابع این صندوق در هر شرایطی استفاده نمی‌کنند در حالی که صندوق توسعه ملی ایران به پنهان‌های مختلف با مجوز یا بدون مجوز به شرکت‌های خصولتی و... وام‌هایی اعطا می‌کند که خود می‌داند امیدی به بازگشت آن نیست. در حال حاضر با وجود مدت زیادی که از دولت سیزدهم گذشته است، گزارش شفافی در باره اینکه کدام بخش خصوصی پول در حیات خود دریافت کرده وجود ندارد، در حالی که اصلی‌ترین دلیل برای راه‌اندازی صندوق اعطای تسهیلات به بخش خصوصی و حمایت از تولید است، نه اینکه به دولت پول بدهد نه سازمان‌ها و نهادهای وابسته به دولتی که هیچ ویژگی برای مولدزا بودن ندارند. هدف اولیه راه‌اندازی صندوق توسعه ملی در برنامه سوم توسعه تعادل بخشی به اقتصاد بوده، قیمت نفت را در بازار جهانی تأمین نمی‌کنیم. این صندوق می‌خواهد جلوی نوسانات درآمدهای نفتی را بگیرد و در راستای تعادل بخشی در اقتصاد، به بخش خصوصی کمک کند تا این بخش بتواند آمار اشتغال‌زایی و به‌کارگیری تکنولوژی را افزایش دهد. در حالی که مشخص نیست صندوق توسعه ملی در ایران در سال گذشته چقدر درآمد و مخارج داشته است؛ چون هزینه و درآمد آن در بودجه نمی‌آید. سیستم آن هم مانند بانک مرکزی است. دولت اعلام کند در ۲۰ ماه گذشته به کدام یک از شرکت‌های بخش خصوصی وام داده است؟ این وام‌ها اسناد محرمانه نیست و قابل انتشار است.

مورد سرریز مازاد عرضه نیما به مرکز مبادله را تقویت می‌کند. بر این اساس، اگر بازار در روزهای آینده نتواند تقاضای کافی را به خود جلب کند، عرضه‌های نیمایی بلای جان سایر بازارها خواهد شد و روند نزولی قیمت‌ها شدت می‌گیرد. از نظر تکنیکال، قدم اول دلار می‌تواند کف محدوده ۴۹ هزار تومان باشد و در صورت از دست رفتن این محدوده، قیمت‌ها می‌تواند تا پایین سطح خود در سال ۱۴۰۲ یعنی محدوده ۴۷ هزار تومان، کاهش یابد. بررسی‌های نشان می‌دهد این عدد در کانال‌های تلگرامی تحلیل سکه و دلار در حال دست به دست شدن بوده و یک نوع توافق عمومی بر سر این نرخ در حال شکل گرفتن است.

مالیات طلا مثل سابق است

در حال حاضر هیچ نوع مالیات جدیدی در حوزه طلا وضع نشده و همانند گذشته مطابق اصلحیه قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۴۰۰ اصل طلا معاف از مالیات بر ارزش افزوده است. صرفاً مالیات بر ارزش افزوده بر اجرت و سود فعالیت طلافروشان وضع خواهد شد.

به گزارش ایسنا، به دنبال انتشار شایعات مبنی بر مالیات طلا طبق لایحه بودجه ۱۴۰۳ از سوی سازمان امور مالیاتی به صورت گسترده اطلاع‌رسانی صورت گرفت که هیچ پایه مالیاتی جدیدی برای طلا وضع نشده و مبنای قانونی نیز برای افزایش مالیات در حوزه طلا وجود ندارد. سازمان امور مالیاتی صرفاً مجری قوانین است و اختیاری برای کم و زیاد کردن نرخ مالیات با پایه مالیاتی ندارد. بنابراین شایعاتی که این روزها در فضای مجازی پراکنده شد که مالیات ۲۵ درصدی از خریداران طلا از ابتدای دی ماه اخذ می‌شود کذب است. به گفته سید محمدهادی سبحانیا، رئیس سازمان امور مالیاتی، در حال حاضر مالیات طلا مثل سایر مشاغل و اصفاف از سود عملکرد فعالیت طلافروشان اخذ می‌شود. بدین صورت که پس از کسر هزینه‌ها از درآمدی که دارند و پس از کسر معافیت مالیاتی پایه، مشمول مالیات بر عملکرد می‌شوند. اگر سود فعالیت صاحبان مشاغل بین صفر تا ۲۰۰ میلیون تومان باشد تا ۱۵ درصد مشمول مالیات می‌شود. در صورتی که سود بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان باشد تا ۲۰ درصد و بیش از ۴۰۰ میلیون تومان مشمول ۲۵ درصد مالیات می‌شود.

در خصوص ارزش افزوده هم به موجب قانون اصلاحی ارزش افزوده مصوب سال ۱۴۰۰ اصل طلا معاف از مالیات بر ارزش افزوده است و صرفاً مالیات بر ارزش افزوده بر اجرت و سود فعالیت طلافروشان وضع خواهد شد.

اما تکلیفی که از اول دی ماه بر عهده سازمان امور مالیاتی قرار داده شده شد بر مبنای قانون سال ۱۳۹۸ مصوب مجلس است که به موجب قوانین بعدی، زمان اجرایی شدن الزام آن از تاریخ یکم دی ماه ۱۴۰۲ بوده است.

سبحانیا در این زمینه می‌گوید: این قانون هیچ پایه مالیاتی جدیدی نیست و الزامی وجود ندارد که مصرف‌کننده بابت خرید کالا یا خدمات، کد ملی خود را به فروشنده ارائه دهد بلکه این قانون صرفاً بستری برای محاسبه سیستمی مالیات است. بسیاری از مودیان از مراجعه مکررشان به ادارات امور مالیاتی گلایه دارند. با اجرای این قانون بستری فراهم می‌شود که هم محاسبه مالیات سیستمی شود و هم سازمان امور مالیاتی به صورت حداکثری و بدون رسیدگی، مالیات ابرازی مودیان را ببیدرد. به گفته سبحانیا در این بستر اصل بر صحت اظهارات مودیان خواهد بود که با اجرای این قانون تغییر جدی و بهبود مناسبی در محیط کسب و کار ایجاد خواهد شد. سه شنبه هفته گذشته سازمان امور مالیاتی اطلاعیه‌ای را صادر کرد که طبق آن چهار گروه از اصناف از ابتدای دی ماه ۱۴۰۲ ملزم به صدور صورت حساب الکترونیکی از طریق سامانه مودیان هستند. در این خصوص شایعاتی در فضای مجازی مبنی بر افزایش پایه مالیاتی مشاغلی همچون طلا و جواهر مطرح شد که سخنگوی سازمان امور مالیاتی آن را تکذیب کرد. قرار نیست هیچ مالیات جدیدی از فروشندگان و خریداران طلا اخذ شود و اطلاعیه سازمان امور مالیاتی صرفاً مربوط به تکمیل فرایند جمع‌آوری اطلاعات از اصناف و مشاغل چهارگانه است. در اطلاعیه سازمان امور مالیاتی کشور که در راستای اجرای قانون پایه‌های فروشگاه‌ی و سامانه مودیان و با توجه به قانون تسهیل تکالیف مودیان صادر شده، آمده است: «کلیه اشخاص حقیقی (صاحبان مشاغل) به شرح ذیل از اول دی ماه سال ۱۴۰۲ ملزم به صدور صورتحساب الکترونیکی نوع ۱ و یا ۲ از طریق سامانه مودیان برای فروش کالا و خدمات مطابق دستورالعمل صدور صورتحساب الکترونیکی، حسب مورد هستند:

۱- کلیه اشخاص حقیقی (صاحبان مشاغل) که میزان فروش خالص کالا و خدمات سال ۱۴۰۲ آنها تا پایان شهریور ماه سال ۱۴۰۲، بیشتر از ۱۸۰ میلیارد ریال بوده است. ۲- اشخاص حقیقی موضوع جزء ۶ بند ط تبصره ۶ قانون بودجه سال ۱۴۰۲، با هر میزان فروش کالا و خدمات سالانه کم‌اکان ملزم به صدور صورتحساب الکترونیکی هستند. ۳- عرضه‌کنندگان کالا و خدمات مرتبط با طلا، جواهر و پلاتین با هر میزان فروش کالا و خدمات به استناد جزء ۶ بند ب ماده ۲۶ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۴۰۰ ۴- فروشندگان مواد معدنی به واحدهای فراوری مواد معدنی موضوع بند م تبصره ۷ قانون بودجه سال ۱۴۰۲ با هر میزان فروش ملزم به صدور صورتحساب الکترونیکی نوع ۱ مطابق دستورالعمل صدور صورتحساب الکترونیکی می‌باشند.

رسید دستگاه کارت‌خوان بانکی یا درگاه پرداخت الکترونیکی اشخاص بندهای ۱ و ۲ فوق که صرفاً برای عرضه کالا و خدمات با نرخ مالیات بر ارزش افزوده یکسان صادر می‌شود، در حکم صورتحساب الکترونیکی است.

مراتب فوق مانع از صدور صورتحساب الکترونیکی نوع ۱ و یا ۲ مطابق دستورالعمل صدور صورتحساب الکترونیکی توسط صاحبان مشاغل با فروش سالانه کمتر از نصاب مذکور که طبق سایر قوانین مکلف به صدور صورتحساب الکترونیکی شده‌اند، نخواهد بود. در صورتی که فروش هر مودی طی سال از نصاب مقرر در ماده ۱۴ مکرر قانون پایه‌های فروشگاه‌ی و سامانه مودیان و تبصره ۱ آن، عبور نماید از ابتدای دومین دوره بعد از اتمام دوره عبور فروش سالانه از نصاب مقرر، ملزم به صدور صورتحساب الکترونیکی نوع ۱ و یا ۲ حسب مورد می‌باشند.

به طور مثال چنانچه فروش مودی تا پایان پاییز سال ۱۴۰۲ به ۱۸۰ میلیارد ریال برسد از ابتدای فروردین ماه سال ۱۴۰۳ مکلف به صدور صورتحساب الکترونیکی نوع ۱ و یا ۲ می‌باشند و چنانچه به همین ترتیب فروش مودی تا پایان اسفند ماه ۱۴۰۲ از نصاب فوق عبور نماید از ابتدای تیر ماه سال ۱۴۰۳ مکلف به صدور صورتحساب الکترونیکی نوع ۱ و یا ۲ حسب مورد خواهد بود.

بدیهی است با توجه به نصاب‌های مندرج در تبصره‌ا ماده ۱۴ مکرر فوق، محاسبات هر سال بر اساس نصاب مربوط به آن سال انجام خواهد شد. عدم صدور صورتحساب الکترونیکی توسط اشخاص به شرح فوق، مشمول جرائم و ضمانت اجرایی قانون پایه‌های فروشگاه‌ی و سامانه مودیان خواهد بود.»